

خوشبختی و خانوادہ

و من آیاتہ ان خلق لکم من انفسکم
ازواجاً لتسکنوا الیہا و جعل لکم مودۃ
ورحمۃ :

«قران مجید»

وازنشانہای درخشان او آنکہ از خودتان
همسرانی بیافرید تا در پناہ آنان آرام گیرید و
دوستی و مودت در میان شما قرارداد .

✦ از کہوارہ تا کور
✦ آیا «خانہ» اہمیت خود را از
دست دادہ ؟
✦ خانہ و خوشبختی

از گھوارہ تا کور . آنچه جای تردید و شک نیست آنست کہ نیمی از عمر ما یا
بیشتر در محیطی بنام «خانہ» بسر میآید و فصلہای گوناگون کودک و جوانی و کہولت در
خانہ آغاز شدہ و در همان جا پایان میندیرد . و بالاخرہ فاصلہ میان کہوارہ و کور در این
مکان سپری میشود . از ہمینجا ارتباط انسان و زندگی خانوادگی روشن شدہ و اثرات بارز
محیط خانہ را در افکار و عقاید میتوان جستجو کرد .
زندگی خانوادگی یکی از مسائل بفرنج و مشکل اجتماعی است در ادوار گذشتہ
حساسیت و اہمیت این مسئلہ علماء و دانشمندان اخلاق را واداشتہ کہ فصلہای متعددی در
بارہ نحوہ روابط زن و مرد نوشتہ و ہر یک این مسالہ اجتماعی را بنحوی جوابگوئی نہودہ اند
و برای اہمیت آن ہمین بس کہ فلاسفہ قدیم تدبیر منزل را با سیاست مدن ہمدموش
ہیدانستند .

امروزہ با اینکہ سطح معلومات بشری بالاتر رفته و میزان دانش و فرهنگ عمومی
زیادتر شدہ ولی باتوجہ بارقام سرسام آوری کہ در مراجع قضائی و دادگاہہای عمومی وجود
داشتہ و حکایت از اختلافات و کشمکشہای دامنہ دار زن و مرد مینماید میتوان پی برد کہ این
مشکل اجتماعی علاوہ بر آنکہ در عصر کنونی حل نشدہ ، بر اشکال و پیچیدگی آن ہم

افزوده شده است .

همانطوری که محیط خانه با شخصیت افراد انسانی ارتباط دارد همچنین با محیط اجتماعی نیز مربوط میباشد ، و در حقیقت محیط اجتماعی از خانواده ها تشکیل میگردد ، اگر وضع تعلیم و تربیت خانواده ها خوب نباشد اجتماعی که از چنین خانواده های بوجود میآید سعادتمند نخواهد بود و بعبارت دیگر کوچکترین فکری که در محیط زندگی خانوادگی در مغز اطفال داخل میشود بعدها ریشه و اساس عقاید اجتماعی آنها را تشکیل داده در تمام امور آنها مؤثر میگردد .



آیا خانه اهمیت خود را از دست داده ؟

قابل توجه اینکه در اجتماع و محیط زندگی «خانه» وضع تازه ای بخود گرفته که در گذشته اثری از آن دیده نمیشد و آن اینکه «خانه» موقعیت حساس خود را از دست داده و دیگر آن توجه و اهمیت گذشته را ندارد؛ خانه در اجتماع کنونی بعنوان «خوابگاه» تلقی شده و زن و مرد در ساعات خاصه بدان مکان پناه میبرند و برای خواب و احیاناً غذا از این محیط استفاده مینمایند و در غیر این ساعات زن و مرد سعاد و خوشبختی را در خارج از محیط خانه دانسته و دنبال آن میروند .

زن و مرد عصر حاضر آزادی فراوانی دارند ، معاشرت های امروز چاشنی هایی بنام رقص و مشروب و قمار پیدا کرده . ساعات آزادی زن و مرد دیگر در خانه سپری نمیکرد بلکه جای آنرا گردشهای دسته جمعی و تفریحات شبانه و مجالس رقص و سینما و تئاتر گرفته است !

و اگر کودکان خردسالی داشته باشند این نونهالان معصوم که همانند گلنهای لطیف نیازمند نوازش بیشتری میباشد بجای اینکه در خانه در دامن پر مهر و محبت مادر نشسته بچهره پدر نگاه کنند با قیافه افسرده و غم افزا در کنج خانه خزیده در مواقعی که نیازمند محبتها و عواطف سرشار پدر و مادر خود میباشد قیافه سرد و یا غضب آلود دایه و نوکر جانشین آن مهر و محبت میگردد ، این صحنه خود شاهد و گواه زنده ای از حق کشی و محرومیت هایی است که آزادی بی بند و بار عصر کنونی بوجود آورده است !

خانه در نظراین گروه از مردان و زنان حکم زندان تاریک و مخوفی دارد ، اگر روزی در اثر بروز برخی از حوادث نتوانند به شب نشینی ها و تفریحات شبانه خود ادامه دهند مجبوراً در محیط خانه بمانند گویی در دیوار خانه ایشان را در خود فشرده استخوانهای بدنشان را میخواهد متلاشی کند... در حقیقت این چنین اشخاص بیچارگانی هستند که دائماً از خانه کریزان بوده و از خیابان بگافه و از گافه بسینما و از آنجا به مارخانه میروند.

اینان همانند تشنگانی هستند که سرچشمه نشاط و شادی را رها کرده و از کانون خوشبختی و سعادت خانه فرار میکنند. در نظر این گونه اشخاص محیط خانه غم انگیز و ملال آور است از مکرر آن خانه خسته میشوند ولی باید بدین چنین اشخاصی گوشزد کرد که خانه سرچشمه خوشبختی و محیط خانه یکسان و یکنواخت نیست، چهره کودکان شاداب و خندان و قیافه درخشان و محبت بار همسر و احساسات و عواطف گرمی که در کانون خانه وجود دارد در هیچ جایی از کافه و سینما و مجالس رقص و قمار نمیتوان پیدا کرد و اینکه گفته میشود محیط خانه غم انگیز و دل گیر است این ناراحتی و درد و رنج از خود زن و مرد و کردار ایشان زائد میشود، چه بسیار روشن است که تفریحات شبانه آزادی های بی بند و بار زن و مرد خواهی نخواهی اختلافات و مشاجراتی بوجود میآورد که صحنه بروز و ظهور این کشمکش های زن و مرد در محیط خانه خواهد بود. پس معلوم میشود که محیط خانه از هر غم و بلائی برکنار است و این ساکنان خانه هستند که با افعال خود محیط گرم خانه را بجهنمی سوزان تبدیل مینمایند!

خانه و خوشبختی. مطالعات صحیح همواره این نتیجه را بما میدهد که میزان شخصیت افراد انسان از نظر جنبه های مادی نیست، زیرا شخصیت هایی که در جوامع انسانی گاه و بیگاه ظهور نموده و تاریخ بشریت نام و نشان این گونه اشخاص را فراموش نکرده همه و همه در اثر این امتیاز معنوی بوده است. عدالت، شجاعت، فداکاری و سایر فضائل و ملکان اخلاقی سبب معروفیت این افراد بوده است.

کشور خوب کشوری نیست که داری جمعیت فراوان و خانه وسیع باشد بلکه کشوری است که شئون اخلاقی و تعالیم تربیتی در آن حکومت کند، هر ملتی اخلاقش کاملتر و درجه ایمانش بفضائل انسانیت بیشتر باشد چنین ملتی شایسته زندگی و حیات است، ملت و مملکتی که فاقد تسلیحات اخلاقی باشد با در دست داشتن منابع سرشار و وسعت خاک خواهی نخواهی روزی ورشکست خواهد شد.

خانه خوب آن نیست که تشریفات صوری آن زیبا و جالب باشد و دارای تزیینات عالی و فرشهای آن از عالیترین و نفیس ترین فرشها باشد، بلکه سعادت و اقامی خانواده در گرو طرز رفتار و معاشرت است که میان زن و مرد خانه حکفرما میباشد... آنچه پایه سعادت خوشبختی خانه را تأمین میکند عبارت از علاقه و محبتی است که در میان دو عضو اصلی خانه وجود دارد. هر قدر پیوندهای روحی و اخلاقی میان این دو استوارتر باشد بهمان اندازه خوشبختی و سعادت در آن خانه بیشتر خواهد بود، پس وقتی راجع بسعادت خانه سخن گفته میشود در درجه اول باید نحوه و کیفیت روابط زن و مرد و میزان توافق و همزیستی آن دو را در نظر گرفت. همین صمیمیت و یگانگی میان زن و مرد است که محیط خانه را چنان گرم و لذت بخش

مینماید که چنین محیطی با بهشت برین برابری میکند. البته در چنین کانون نسیم خوشبختی میوزد و لطف و شادی از در دیوار آن خانه نمودار خواهد بود گرچه از نظر جنبه‌های مادی چندان سروصورتی نداشته باشد چه سعادت خانه در اثر ملکان اخلاقی و گذشت و فداکاری زن و مرد بوجود میآید نه بوسیله تشریفات و تزئینات صوری!



در کتب فقهی اسلام بابهای متعددی راجع به مسکن و خانه اختصاص داده شده در این بابها روایات متعددی از رسول اکرم (ص) و همچنین از پیشوایان دینی وارد شده و خانه‌ای که صحن آن وسعت داشته باشد یکی از نشانه‌های سعادت مرد مسلمان تلقی شده است. البته روشن است که اسلام از نظر تعیین سعادت مرد مسلمان فقط بصحن خانه و همسایه قناعت نکرده بلکه این روایات هم درصدد بیان سعادت بنای نسبی مرد مسلمان از جهت خانه و نظائر آن میباشند، بعبارت دیگر دین اسلام اندک چیزی که ممکن است سبب ناراحتی مسلمانی را فراهم آورد از نظر دور نداشته است.

علاوه بر این چگونه میتوان باور کرد که قانون گزار اسلام در باره چگونگی غذا خوردن و کیفیت خوابیدن و همچنین سایر امور معمولی و دعاوی دستوراتی بدهد ولی امر دشوار و مشکلی مانند موضوع زناشوئی و ازدواج و روابط زن و مرد را نادیده گرفته شده اصولاً در این باره‌ها سخنی نگفته باشد و فقط سعادت مرد مسلمان از نظر موضوعات کم‌اهمیت زندگی زناشوئی از قبیل وسعت خانه و همسایگان مطرح شده باشد؟!

حال باید دید اسلام در باره روابط زناشوئی چگونه سخن گفته است بخواست خدا در مقالات بعد سخن از روابط زن و شوهر بمیان آمده و بطور کلی مسائل مربوط به مسئله زناشوئی از نظر دین و اخلاق مورد بحث قرار خواهد گرفت تا شاید باین وسیله پرده از روی دستورات اخلاق دینی که بسیاری از آنها در لابلای کتب دینی مستور مانده و کمتر توجهی بآن شده و اصولاً اعمال بسیاری از مسلمانان با آن موافقت و مطابقت ندارد روشن گردد. ضمناً کسانی که برای بهبود زندگی و تحصیل سعادت و خوشبختی خود و خانواده بکتابها و نوشته‌هایی که از مالک غرب وارد میشود توجه دارند و کم‌شده و مقصود خود را فقط در لابلای سطور آن کتابها میجویند بدانند که با در دست داشتن چنین تعالیم زنده و درخشانی که برایگان دزدسترس ایشان قرارداد آیا شایسته است دست نیاز بسوی مردمی دراز کنند که فاقد چنین دستورات و روشهای پرارزشی هستند و از همه بدتر آنکه خودشان در آتش اختلاف و تشاجر و هیجان‌های روحی و عصبی گرفتار میباشند!